

سازمان همکاری شانگهای و آینده ایران در آن

حمید شمسیان فرد

پیشگفتار:

در این نوشتار، نخست به تاریخچه سازمان همکاری شانگهای و سپس به ابعاد کار چند جانبه این سازمان پرداخته خواهد شد. آنگاه امکان حضور اعضای تازه مانند ایران در آن بررسی می‌شود.

چین در سال ۱۹۹۶ اتحادیه‌ای بین‌المللی را بنیان گذارد که بعنوان «شانگهای پنج» شناخته شد. این اتحادیه چین، روسیه و سه کشور قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان در آسیای مرکزی را دربرمی‌گرفت. در آغاز، این اتحادیه توجه خود را بر مبارزه با تروریسم در افغانستان و دیگر نقاط مرزی آسیای مرکزی متمرکز کرد و کوشید ثبات منطقه‌ای را برقرار کند. در ژوئن ۲۰۰۱ ازبکستان به این گروه دعوت شد و گروه به گونه رسمی، سازمان همکاری شانگهای نام گرفت.

ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه در نشست پایانی سران سازمان همکاری شانگهای در ژوئن ۲۰۰۱ گفت: «اعلمینان داریم که نمونه روابط خوب میان همسایگان و همکاری پر سود در بهنه گسترده لرویا تا اقیانوس آرام که سازمان همکاری شانگهای نشان دهنده آن است می‌تواند نگاه مثبت جامعه جهانی را به خود

جلب کند»^۱

در ژوئن ۲۰۰۲، سران کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای در سن پترزبورگ دیدار و منشور سازمان شانگهای را امضاء کردند. این منشور حوزه فعالیت سازمان شانگهای را گسترش داد. در نشست سن پترزبورگ اهداف و اصول، ساختار سازمانی، چگونگی کارکرد، جهت گیری‌ها و روابط خارجی، بررسی شد و برپایی واقعی این سازمان تازه را از دیدگاه حقوق بین‌الملل نشان داد.

الف - اصول و اهداف سازمان همکاری شانگهای:

برپایی منشور سازمان شانگهای و بیانیه مربوط به برپایی این سازمان، اهداف اصلی آن عبارت است از افزایش اعتماد متقابل، حُسن همجواری و دوستی میان کشورهای عضو، گسترش همکاری مؤثر در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، بازرگانی، دانش و تکنولوژی، فرهنگ، آموزش، انرژی، حمل‌ونقل، حفاظت محیط زیست و دیگر زمینه‌ها. همچنین همکاری در زمینه تثبیت صلح، امنیت و ثبات منطقه‌ای و تقویت و ایجاد نظم تازه اقتصادی و سیاسی بین‌المللی که نمایانگر دموکراسی، عدالت و خردورزی باشد، از دیگر هدفهای این سازمان

بررسی و حل مسائل ویژه و همکاری در حوزه‌های خاص است. در حال حاضر، دیدارها برای دادستانهای کل و وزیران دفاع، بازرگانی، اقتصاد، حمل و نقل و فرهنگ و نیز قضات و مدیران سازمانهای امنیتی در شرایط فوق‌العاده و به هنگام رویدادهای نامنتظر ترتیب داده می‌شود.

۵- شورای هماهنگ کنندگان ملی: این شورا هماهنگ کننده و مدیر فعالیتهای عادی سازمان شانگهای است. این بخش دست کم سه بار در سال نشست دارد و رئیس آن هماهنگ کننده ملی کشور میزبان است و می‌تواند مسائل خارجی سازمان شانگهای را به رئیس شورای وزیران امور خارجه واگذار کند.

۶- دبیرخانه: این نهاد که بخش اجرایی سازمان شانگهای و در پکن واقع شده، در ژانویه ۲۰۰۴ برپا شده است. کارهای اصلی آن شامل پشتیبانی سازمانی و فنی از فعالیتهای این سازمان، مشارکت در بررسی و تنظیم اسناد سازمان شانگهای و طرح پیشنهادها در زمینه بودجه‌بندی سالانه است. این بخش از بخشهای دائم سازمان شانگهای

● برپایه منشور سازمان شانگهای و بیانیه مربوط به برپایی این سازمان، اهداف اصلی آن عبارت است از افزایش اعتماد متقابل، حسن همجواری و دوستی میان کشورهای عضو، گسترش همکاری مؤثر در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، بازرگانی، دانش و تکنولوژی، فرهنگ، آموزش، انرژی، حمل و نقل، حفاظت محیط زیست و دیگر زمینه‌ها. همچنین همکاری در زمینه تثبیت صلح، امنیت و ثبات منطقه‌ای و تقویت و ایجاد نظم تازه اقتصادی و سیاسی بین‌المللی که نمایانگر دموکراسی، عدالت و خردورزی باشد، از دیگر هدفهای این سازمان است.

است.

توجه به هدف و اصول منشور ملل متحد، احترام کشورها به استقلال یکدیگر، پشتیبانی از یکپارچگی سرزمینی یکدیگر، مداخله نکردن در امور داخلی یکدیگر، به کار نگرستن زور یا تهدید نکردن به کاربرد زور به گونه دوجانبه، برابری همه اعضا، پاسخ‌گویی به همه مسائل از راه مشورت، عدم تعهد و جهت‌گیری نکردن بر ضد سازمان کشور دیگر، باز بودن در برابر جهان بیرونی و مشارکت با دیگر کشورها و سازمانهای مرتبط بین‌المللی یا منطقه‌ای از دیگر هدفها است.^۲

ب- ساختار نهادی سازمان همکاری شانگهای:

نهادهای سازمان همکاری شانگهای بر دو بخش است: مکانیسم دیدارها و ارگانهای دائم: پنج نهاد موقت که بیشتر در چارچوب مکانیسم دیدارها قرار می‌گیرند و دبیرخانه، ساختار ضد تروریسم که از بخشهای ثابت هستند.

۱- شورای سران کشورها: این شورا بالاترین ارگان سازمان شانگهای است. کارکردهای اصلی آن، تعیین حوزه‌های اولویت و جهت‌گیریهای اصلی در فعالیتهای سازمان شانگهای، تعیین اصول مرتبط با ساختار و کارکرد داخلی و چگونگی کار سازمان با دیگر کشورها و سازمانهای بین‌المللی است. این شورا همچنین به بررسی مسائل حساس بین‌المللی می‌پردازد.

۲- شورای سران دولتها: کارکرد عمده این شورا تنظیم بودجه شورا، بررسی و تعیین موضوعات همکاری در حوزه‌های ویژه در چارچوب سازمان و همکاری ویژه در زمینه اقتصادی است. نشست منظم سران دولتها سالی یکبار برگزار می‌شود.

۳- شورای وزیران امور خارجه: مهمترین کارکردهای این شورا عبارت است از بررسی و حل مسائل عمده و رسیدگی به فعالیتهای جاری سازمان همکاری شانگهای، از جمله تدارک دیدار سران کشورها، اجرای برنامه‌های سازمان و مشورت در زمینه موضوعات بین‌المللی.

۴- کنفرانس سران آژانسها: کار عمده این کنفرانس

برای پاسخ دادن به این پرسشها در گام نخست به بیانیه سازمان شانگهای در پایان نشست سن پترزبورگ که اهداف کلی آنرا مشخص کرد و دیدگاههای تازه‌ای مطرح نمود نگاه می‌کنیم. همچنین توجه به آینده این سازمان می‌تواند به شناخت نقش آینده ایران کمک کند. این بخش به چهار بخش تقسیم شده است. در بخش نخست توانمندیهای ایران بررسی می‌شود؛ در گام دوم بیانیه سازمان شانگهای مورد بحث قرار می‌گیرد؛ در مرحله سوم به نقش ایران پرداخته خواهد شد و آینده سازمان شانگهای با توجه به حضور ایران، در بخش چهارم مطرح می‌شود.

توانمندیهای ایران:

نظام حکومتی ایران، جمهوری اسلامی و تحت اقتدار عالیته رهبر است. قانون اساسی ایران اصل تقسیم قوا را می‌پذیرد و رئیس جمهوری بر پایه این قانون رئیس قوه مجریه است. ایران کشوری است دربرگیرنده اقوام گوناگون.

ایران معاصر چند مرحله را گذرانده است: تجاوز عراق؛ اصلاحات اقتصادی در دوره هاشمی رفسنجانی در دهه نود؛ گذار سیاسی در دوران ریاست جمهوری خاتمی؛ و اکنون دوران بازگشت به ثبات سیاسی و اقتصادی را می‌گذراند.

روابط خارجی ایران در آسیای مرکزی و حوزه جنوبی اتحاد جماهیر شوروی پیشین و با سازمان همکاری شانگهای، از حضور روسیه، پیوندهای تاریخی و فرهنگی با کشورهای منطقه، بنیادگرایی اسلامی و حضور ایالات متحده در منطقه اثر می‌پذیرد.

(۱) حضور روسیه:

منافع ملی روسیه در آسیای مرکزی متغییری وابسته به منافع اقتصادی و امنیتی آن کشور است. روسیه در گام نخست می‌خواهد بر جمهوریهای حوزه سابق خود اثر بگذارد و تا از منابع انرژی آنها بهره گیرد و منابع نفت و گاز آنها را به گونه‌ای هدایت کند که با بخش انرژی روسیه به بهترین نحو هماهنگی داشته باشد. نمونه چنین سیاستی این است که ولادیمیر پوتین در آوریل ۲۰۰۱

● روسیه در برابر ایران سیاستی با معیارهای دوگانه و مبهم در پیش می‌گیرد زیرا از یک سو به علت حضور ایالات متحده در منطقه و خطر بنیادگرایی اسلامی نیاز به همکاری جمهوری اسلامی دارد تا بتواند این خطرها را مهار کند و از سوی دیگر به علت رقابت با ایران در حوزه‌های اقتصادی بویژه در بخشهای انرژی می‌خواهد منافع ایران را محدود کند. رفتار روسیه در زمینه رژیم حقوقی خزر نمونه‌ای است که نشان می‌دهد روسیه چگونه منافع خود را در منطقه پی می‌گیرد.

است.

۷. ساختار ضد تروریسم منطقه‌ای (راتس): این بدنه که از بخشهای دائم سازمان شانگهای و در تاشکند واقع است، در ژانویه ۲۰۰۴ برپا شد. کار اصلی آن ایجاد زمینه‌های لازم برای هماهنگی فعالیت اعضاء در مبارزه با تروریسم، جدایی طلبی و افراط‌گرایی است. راتس دربرگیرنده شورا و کمیته اجرایی است. شورا بدنه هماهنگ کننده و هدایت کننده راتس و مرکب از سران و مقامات صلاحیتدار کشورهای عضو است. کمیته اجرایی بخش عادی راتس است.^۲

پ - نقش ایران در آینده سازمان همکاری شانگهای:

برای شناخت اهمیت حضور ایران در سازمان شانگهای لازم است نقش قدرتهای بزرگ را در این سازمان دریابیم؛ همچنین باید به پرسشهایی در زمینه هزینه و سود و نیز ابعاد کاری این سازمان پاسخ دهیم؛ در صورت حضور ایران در سازمان، نقش آن چه خواهد بود؟ چه حوزه‌هایی مناسبترین زمینه‌ها برای حضور ایران است؟ آیا سازمان شانگهای می‌تواند با فعالیتهای سازمان همکاری اقتصادی (اگو) همپوشانی داشته باشد و به کارکرد آن کمک کند؟

شریکی استراتژیک برای ایران باشد ولی این، به معنای آن نیست که هر دو دیپلماسی یکسانی در مورد ایالات متحده خواهند داشت.^۸

۲) روابط تاریخی و فرهنگی ایران با کشورهای منطقه:

کشورهای منطقه آسیای مرکزی از دید تاریخی بخشی از ایران بوده‌اند. پس از دوره اسلامی، این منطقه مرکز فرمانروایی سلسله‌های طاهری، سامانی و غزنوی و برخی از شهرهای آن مانند بخارا، سمرقند و مرو پایتخت بوده یا زیر حاکمیت ایران مراحل رشد و ترقی را پیموده است. عامل دیگر زبان و فرهنگ مشترک است. بیشتر مردمان در این سرزمینها مسلمانند و تاجیکستان، قرقیزستان و ترکمنستان نمونه‌هایی هستند که نشان می‌دهند اسلام در این منطقه ریشه دارد و بنیادگرایی اسلامی که مورد توجه ویژه سازمان همکاری شانگهای است، در آنها نیرومند است.^۹

همچنین زبان فارسی می‌تواند بعنوان عاملی پیونددهنده در منطقه مطرح باشد، بویژه اینکه در سنجش با دیگر عوامل کمتر مناقشه‌انگیز است و با اهداف سازمان شانگهای تضاد ندارد.

۳) بنیادگرایی اسلامی:

ستیزه‌جویی اسلامی عامل مهمی در آسیای مرکزی است. در برخی جنبه‌ها می‌توان این عامل را به شبکه‌های بین‌المللی مانند القاعده پیوند داد و از سوی دیگر با جنگ و بی‌ثباتی سیاسی در کشورهای همسایه

ویکتور کالیوژنی را بعنوان نماینده ویژه روسیه در منطقه خزر منصوب کرد و کمیانی‌های انرژی یوکوس و گاز پروم را وادار کرد که درباره پروژه‌های نفت و گاز فعالیت بیشتری داشته باشند.^۲

همچنین، روسیه در زمینه‌های امنیتی آموزه‌ای دارد تا کشورهای آسیای مرکزی را بیشتر به خود وابسته کند. در این زمینه حضور قدرتهای فرامنطقه‌ای مانند ایالات متحده یا گسترش ناتو به منطقه و بنیادگرایی اسلامی اهمیت دارد. در نوامبر ۱۹۹۹ سرگی ایوانف وزیر دفاع روسیه اعلام کرد که سیاستمداران ایالات متحده در پی تضعیف جایگاه بین‌المللی روسیه هستند و در مرحله نخست می‌خواهند از آسیای مرکزی، منطقه فراقفقاز و دریای خزر آغاز کنند. همچنین مسأله مهم دیگر بنیادگرایی اسلامی است که در بخشی دیگر به آن می‌پردازیم.^۵

درباره حضور ایران در این منطقه می‌توان گفت که به‌علت تاریخ غنی و ارتباط ایران با کشورهای منطقه، در سال ۱۹۹۵ قدرتهای بزرگ بر ترکمنستان اثر گذاشتند تا خود را در همه زمینه‌ها بی‌طرف اعلام کند. روسیه در برابر ایران سیاستی با معیارهای دوگانه و مبهم در پیش می‌گیرد زیرا از یک سو به‌علت حضور ایالات متحده در منطقه و خطر بنیادگرایی اسلامی نیاز به همکاری جمهوری اسلامی دارد تا بتواند این خطر را مهار کند و از سوی دیگر به‌علت رقابت با ایران در حوزه‌های اقتصادی بویژه در بخشهای انرژی می‌خواهد منافع ایران را محدود کند. رفتار روسیه در زمینه رژیم حقوقی خزر نمونه‌ای است که نشان می‌دهد روسیه چگونه منافع خود را در منطقه پی می‌گیرد.^۶

ایران با توجه به این موارد می‌تواند با روسیه در حوزه‌های اقتصادی همکاری کند تا شرکتهای آمریکایی را از قراردادهای انرژی کنار بگذارد و در مباحث امنیتی می‌تواند به این کشور در مسائلی مانند جلوگیری از گسترش ناتو و بنیادگرایی اسلامی همکاری کند. بویژه توجه به این نکته لازم است که روسیه با مشکل تروریسم روبه‌رو است و یکی از اهداف سازمان همکاری شانگهای نیز مبارزه با تروریسم است.^۷ روسیه در زمینه روابط با ایران و ایالات متحده اعلام کرده است که می‌خواهد

● روسیه در زمینه روابط با ایران و ایالات متحده اعلام کرده است که می‌خواهد شریکی استراتژیک برای ایران باشد ولی این، به معنای آن نیست که هر دو دیپلماسی یکسانی در مورد ایالات متحده خواهند داشت.

مانند افغانستان مربوط دانست.^{۱۰} جنگ در افغانستان با هدف سرکوب رادیکالیسم خشونت‌آمیز، به از میان رفتن بنیادگرایی نینجامید بلکه در حقیقت باعث پخش شدن گروه‌های تندرو در آسیای مرکزی و جنوبی شد. گذشته از آن، روند پیوستن افراد به دیگر گروه‌های اسلامی تندرو مانند حزب التحریر (حرکت آزادی اسلامی) از هنگام بروز برخوردهای خشونت‌آمیز که از افزایش دشمنی با ایالات متحده مایه می‌گیرد چشمگیرتر شده است. از دیگر مایه‌های نگرانی، دستیابی این گروه‌ها به جنگ‌افزارهای تازه و تجهیزات باقی مانده از گروه طالبان و القاعده است.

ایران می‌تواند در چارچوب پروسسه حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافها در سازمان شانگهای شرکت کند. روسیه در چین و دیگر استاتهای مسلمان نشینش مانند تاتارستان کمابیش با مشکلاتی همانند مشکلات موجود در کشورهای یاد شده در آسیای مرکزی روبه‌رو است زیرا دولت‌های تاجیکستان، قرقیزستان و ازبکستان نیز با جنبشها و احزابی مانند حزب التحریر و حرکت اسلامی ازبکستان مبارزه می‌کنند. این جنبشها در مناطقی که دسترسی نیروهای دولتی به آنها دشوار است، مانند دره فرغانه، دامنه بیشتری دارد. ایران تمایل خود را به ایجاد صلح در منطقه نشان داده است و نقش مؤثر آن در گفتگوهای صلح تاجیکستان نمونه برجسته‌ای در این زمینه است.^{۱۱}

ایران و حضور ایالات متحده در منطقه:

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایالات متحده در نخستین مرحله از روابطش با کشورهای تازه استقلال یافته کوشید برتری روسیه را در سالهای نودویک تا نودوسه ببذیرد. مرحله دوم، با گسترش حضور ایالات متحده در منطقه همراه بود. تالبوت فرستاده ایالات متحده به منطقه در سال نود و هفت اعلام کرد که آمریکا نگرانی‌های امنیتی روسیه را درک می‌کند اما تلاشهای خود را بر این نکته متمرکز می‌کند که یکپارچگی سرزمینی این کشورها را حفظ کند و حضور ایران و روسیه را در منطقه محدود سازد.^{۱۲} در مرحله سوم، ایالات متحده دلبستگی خود به حضور بیشتر در منطقه را

با کمک به کشورهای مستقل مشترك المنافع نشان داد. برای نمونه، ایالات متحده کمکهایی مالی در اختیار اسلام کریموف رئیس جمهوری ازبکستان که گرایشهای ضد ایرانی و ضد روسی داشت، گذاشت.^{۱۳} همچنین گفتنی است که در حوزه اقتصادی، کلینتون رئیس جمهوری آمریکا دستور تشکیل گروهی کاری مرکب از استروب تالبوت و معاونان وزارتخانه‌های بازرگانی و انرژی و شورای امنیت ملی و سازمان اطلاعات مرکزی (سیا) را با هدف بررسی چگونگی کنار گذاشتن ایران و روسیه از قراردادهای نفتی را داد.^{۱۴}

یکی از هدفهای روسیه در شکل دادن به سازمان همکاری شانگهای، محدود کردن حضور ایالات متحده در منطقه بوده است و گرچه مواضع آن کشور تا اندازه‌ای هم‌رنگ ضد ایرانی داشته است اما حوزه‌هایی مانند حوزه‌های اقتصادی می‌تواند زمینه مناسبی برای پیوستن ایران به این سازمان باشد، بویژه اینکه تلاش برای مبارزه با تروریسم برای هر دو کشور سودمند است.^{۱۵}

اعلامیه سن پترزبورگ:

در پایان نشست سران کشورهای عضو سازمان شانگهای در سن پترزبورگ در سال ۲۰۰۲ اعلامیه

● یکی از هدفهای روسیه در شکل دادن به سازمان همکاری شانگهای، محدود کردن حضور ایالات متحده در منطقه بوده است و گرچه مواضع آن کشور تا اندازه‌ای رنگ ضد ایرانی داشته است اما حوزه‌هایی مانند حوزه‌های اقتصادی می‌تواند زمینه مناسبی برای پیوستن ایران به این سازمان باشد، بویژه اینکه تلاش برای مبارزه با تروریسم برای هر دو کشور سودمند است.

● نخستین هدف سازمان همکاری شانگهای ایجاد امنیت و رفاه برای کشورهای عضو است و از همین رو می‌خواهد روابط و همکاریهای دوجانبه و چندجانبه را در زمینه‌های بازرگانی و اقتصادی میان اعضا گسترش دهد و گامهای مشخصی نیز در این راه برداشته است. ایران می‌تواند در پروژه‌های مورد نظر مشارکت کند و از مزایای اقتصادی آن بهره‌مند شود.

آمده است که سازمان همکاری شانگهای اهمیت ویژه‌ای برای تلاش در راه تضمین امنیت منطقه‌ای قائل است و همه اعضا تلاش می‌کنند مفاد پیمان شانگهای را در زمینه مبارزه با تروریسم، تجزیه‌طلبی و افراط‌گرایی اجرا کنند. سازمان شانگهای یکی از سازمانهای استثنایی است که با وجود عضویت قدرتهای بزرگ در آن، ایدئولوژی این قدرتها را در مورد کشورهای متوسط و کوچک اعمال نمی‌کند و همکاری برابر اعضا را می‌پذیرد و این نکته‌ای است که در سنجش آن با سازمانهای دیگر مانند سازمان پیمان آتلانتیک (ناتو) و پیمان ورشو سابق درخور توجه است. برای جمهوری اسلامی ایران ممکن است که هم بتواند اصول سیاست خارجی خود مانند نه شرقی و نه غربی را اجرا و به کشورهای مسلمان کمک کند و همزمان از مزایای عضویت در این سازمان مانند مزایای اقتصادی بهره‌گیرد.

در بخش دیگری از اعلامیه بر بهره‌گیری از توانمندیهای چشمگیر و فرصتهای گسترده در حوزه بازرگانی و اقتصاد تأکید و گفته شده است که باید میان دولتهای عضو در این زمینه‌ها مشارکت وجود داشته باشد. از این رو سازمان همکاری شانگهای بر افزایش همکاریهای دوجانبه و چندجانبه انگشت می‌گذارد و پلورالیسم در مشارکت را می‌پذیرد. سازمان همکاری شانگهای در چارچوب سازمانی خود گفتگو در زمینه بازرگانی و آسان‌سازی سرمایه‌گذاری را دنبال می‌کند.

سن پترزبورگ درباره هدفها و چشم‌اندازهای سازمان شانگهای منتشر شد. در این اعلامیه آمده بود که صادرکنندگان آن که می‌خواهند «روحیه شانگهای» را نشان دهند. این روحیه به معنی احترام متقابل تمدنهای گوناگون به یکدیگر و رفاه مشترکی است که در دوره «شانگهای پنج» گسترش یافته بود؛ گنجی که در سالهای اخیر و در پرتو همکاری کشورهای عضو به دست آمده است. این روحیه باید گسترش یابد و بر پایه اصول اقدامات دوجانبه و چندجانبه سازمان شانگهای در سده بیست و یک استوار شود.^{۱۶}

در بخش دیگر اعلامیه تصریح شده است که اعضای سازمان باید از اصول منشور ملل متحد پیروی کنند؛ به استقلال، حاکمیت و یکپارچگی سرزمینی یکدیگر احترام بگذارند؛ در امور داخلی یکدیگر دخالت نکنند؛ در مورد یکدیگر زور به کار نبرند یا تهدید به کاربرد زور نکنند؛ از مزایای برابری و منافع مشترک بهره گیرند؛ همه مسائل را از راه مشورت حل کنند و هرگز به دنبال برتری نظامی بر کشورهای همسایه نباشند.^{۱۷}

برهیز از خشونت، مداخله نکردن در امور دیگران و مخالفت با حضور یک قدرت برتر نظامی، با اصول و اهداف سیاست خارجی ایران همخوانی دارد، بویژه اینکه در اعلامیه آمده است بر پایه موافقت اصولی از راه مشورت بین اعضای موجود، کشورهای عضو تمایل دارند که کشورهای تازه‌ای به سازمان بپیوندند و لازمه پیوستن عبارت است از موافقت با اهداف، وظایف، اصول و دیگر شروط سازمان شانگهای.^{۱۸}

اگر این سازمان با سازمان همکاریهای اقتصادی (اگو) سنجیده شود، سازمانی که ایران می‌خواهد در آن قدرت برتر باشد، به این نتیجه می‌رسیم که عضویت در سازمان شانگهای برای جمهوری اسلامی ایران سودمند است زیرا اعلامیه از يك سو پیگیری سیاست عدم تعهد و رعایت منشور ملل متحد را پذیرفته است و از سوی دیگر دو عضو سازمان یعنی روسیه و چین قدرتهای بزرگند که از حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز برخوردارند. این عوامل برای ایران مهم است چون دو کشور یاد شده درباره مسائل حاد مانند مسئله اتمی ایران مواضع کمابیش یکسان دارند. در بخش دیگر اعلامیه

نخستین هدف سازمان همکاری شانگهای ایجاد امنیت و رفاه برای کشورهای عضو است و از همین رو می‌خواهد روابط و همکاریهای دوجانبه و چندجانبه را در زمینه‌های بازرگانی و اقتصادی میان اعضا گسترش دهد و گامهای مشخصی نیز در این راه برداشته است. ایران می‌تواند در پروژه‌های مورد نظر مشارکت کند و از مزایای اقتصادی آن بهره‌مند شود.^{۲۱}

دومین هدف این سازمان افزایش دادن منطقه‌گرایی در اوراسیا است. از آنجا که اوراسیا شاهد گروه‌بندی‌های تازه و مکانیسم‌های تازه همکاری است، ایران می‌تواند نقشی در این گروه‌بندی‌های دوباره داشته باشد. ایران در چارچوب برنامه‌های انرژی‌رسانی و تأمین دسترسی کشورهای محصور در خشکی به دریاهای آزاد می‌تواند جغرافیای اقتصادی منطقه را دگرگون کند.^{۲۲}

سومین و مهمترین هدف سازمان همکاری اقتصادی جنگ با تروریسم است که موضوعی تازه و از موارد نگرانی چین و روسیه است و ایران نیز تا اندازه‌ای می‌تواند در این زمینه کارساز باشد.^{۲۳} سازمان همکاری شانگهای بعنوان نهادی تازه به این موارد خواهد پرداخت.^{۲۴}

ب: مقایسه سازمان همکاری شانگهای با اکو و سازمان کنفرانس اسلامی:

حوزه فعالیت سازمان همکاری اقتصادی (اکو) حوزه‌ای اقتصادی است که آسیای مرکزی را از راه ایران به ترکیه و از آنجا به اروپا پیوند می‌دهد.^{۲۵} این سازمان می‌تواند با سازمان همکاری شانگهای بر پایه ابتکاراتی مانند طرح «جاده ابریشم» که پروژه‌ای برای ترابری منطقه‌ای است، همکاری کند. همچنین دیگر زمینه‌های اقتصادی مانند کشاورزی، ماهیگیری و صنعت می‌تواند بستر همکاری این دو سازمان باشد چون برپایه تئوریهای کارکردگرایی، همکاریهای اقتصادی که در چارچوب سیاستهای ملایم می‌گنجد می‌تواند به همکاری در سیاستهای حاد یا سطح بالا بینجامد.

ایران همچنین یکی از اعضای مؤثر سازمان کنفرانس اسلامی است و می‌تواند با پیوند دادن برخی از کشورهای آسیای مرکزی به جهان اسلام در کاهش تنشها میان این

● این نکته‌ای است روشن که پیوندهای اقتصادی می‌تواند بر حوزه‌های بالاتر مانند امنیت و مسائل سیاسی پرتو افکند. از این رو ایران می‌تواند در این حوزه وارد شود، هر چند روسیه سیاست نه چندان روشن و دوگانه‌ای در برخورد با ایران در این منطقه در پیش گرفته است. همچنین با توجه به تلاشهای چین برای کاستن از نفوذ آمریکا و گرایش روسیه به برپایی «جهان چند قطبی» در دوران پس از جنگ سرد، نقش ایران برجسته‌تر می‌شود. در همین راستا است که سازمان شانگهای در پی افزایش اعضا برآمده است.

اگر این بخش از بیانیه را با اصول سازمان همکاریهای اقتصادی (اکو) بسنجیم، به این نتیجه می‌رسیم که در حوزه اقتصادی هیچ منافاتی میان اصول این سازمان و اصول اکو نیست و آنها می‌توانند در این حوزه همپوشانی داشته باشند.^{۲۶}

نقش ایران در آینده سازمان همکاری شانگهای:

اصول برجسته در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پیروی از شعار نه شرقی نه غربی، کمک به دیگر کشورهای اسلامی، نفی هرگونه سلطه و ستم و پایبندی به احترام متقابل در روابط خارجی است.

الف: برنامه کاری سازمان همکاری شانگهای:

بانگاهی ژرف‌تر به سازمان همکاری شانگهای درمی‌یابیم که این سازمان می‌کوشد جای برجسته‌ای در اوراسیا به‌دست آورد. ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه در این زمینه می‌گوید «این ساختارها به‌گونه اساسی صحنه اوراسیا را بهتر می‌کند».^{۲۰}

تروریسم، جدایی طلبی و افراط گرایی، به نظر می‌رسد که ایران باید به تعریفی متقابل از این موضوع و پس از آن به نتیجه‌ای در این زمینه با روسیه و چین برسد؛ نتیجه‌ای که دستیابی به آن برای دو طرف چندان آسان به نظر نمی‌رسد.^{۲۹}

نکته دیگر در این زمینه، روند پیوستن ایران به سازمان جهانی بازرگانی است. عضویت در سازمان جهانی بازرگانی می‌تواند به ایران قدرت چانه‌زنی چشمگیر در سازمان همکاری شانگهای (در صورت پیوستن به آن) بدهد. روسیه عضو فعال سازمان جهانی بازرگانی است و چین نیز که به تازگی به عضویت این سازمان پذیرفته شده است می‌خواهد مقام خود را در این سازمان بالا ببرد. چنین می‌نماید که عضویت ایران در سازمان جهانی بازرگانی، عضویت ایران در سازمان شانگهای را آسان می‌کند.

جای ایران در دورنماهای سازمان همکاری شانگهای:

در این بخش دورنماهای سازمان شانگهای و جای

● بر سر هم، پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای می‌تواند برای اقتصاد و موقع بین‌المللی ایران سودمند باشد. ایران در میانجیگری در کشمکشها و برخوردها و در زمینه کاهش تنشها در منطقه نقش برجسته‌تری می‌یابد و می‌تواند در زیرساختهای اقتصادی منطقه هم سرمایه‌گذاری کند که همین به تقویت پیوندهای سیاسی می‌انجامد. سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفت و گاز و بهره‌گیری از «جاده ابریشم» بعنوان يك سیستم نیرومند ترابری می‌تواند بهترین حوزه‌ها برای ایران باشد.

کشورها و برخی استانهای روسیه و چین مانند چین و سین کیانگ مؤثر باشد.^{۲۶}

پ: چشم‌انداز حضور ایران در سازمان همکاری شانگهای:

این نکته‌ای است روشن که پیوندهای اقتصادی می‌تواند بر حوزه‌های بالاتر مانند امنیت و مسائل سیاسی پرتو افکند. از این رو ایران می‌تواند در این حوزه وارد شود، هرچند روسیه سیاست نه چندان روشن و دوگانه‌ای در برخورد با ایران در این منطقه در پیش گرفته است.^{۲۷} همچنین با توجه به تلاشهای چین برای کاستن از نفوذ آمریکا و گرایش روسیه به بریایی «جهان چند قطبی» در دوران پس از جنگ سرد، نقش ایران برجسته‌تر می‌شود. در همین راستا است که سازمان شانگهای در پی افزایش اعضا برآمده است. الکساندر یا کوونکو معاون وزیر خارجه روسیه در ۲۹ آوریل ۲۰۰۲ به اینترفاکس گفت که «روسیه از گسترش سازمان همکاری شانگهای در آینده پشتیبانی می‌کند». بدین‌سان، زمینه عضویت ایران و مغولستان در این سازمان هموار می‌شود. ایوانف وزیر خارجه روسیه در آوریل ۲۰۰۲ در مسکو در نشست اعضای سازمان شانگهای گفت «ما می‌خواهیم سازمان شانگهای سازمانی مدرن شود و به گونه‌ای درآید که با نیازهای جهان چند قطبی هماهنگ باشد».^{۲۸}

درباره عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای باید به تفاوت ایدئولوژی و برداشت ایران از مسائل با دیدگاههای روسیه و چین درباره موضوعاتی مانند بنیادگرایی اسلامی و جنبشهای اسلامی اشاره کنیم. گرچه دوره تنش‌زدایی در سیاست خارجی از چند سال پیش آغاز شده است، ایران بر پایه اصول، از جنبشهای اسلامی پشتیبانی می‌کند و آنها را بعنوان جنبشهای آزادیبخش به رسمیت می‌شناسد. این اصل از اصول ثابت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و با هویت جمهوری اسلامی پیوند خورده است. روسیه و چین در سایه تفکر سکولار، در زمینه جنبشهای اسلامی نگرانیهایی دارند و برخی از گروههای شبه نظامی را بعنوان گروههای تروریست می‌شناسند. با توجه به اصول سازمان همکاری شانگهای مبنی بر سختگیری در مورد

ب: وضع ایران در صورت پیوستن به سازمان همکاری شانگهای:

چنین می‌نماید که ایران می‌خواهد روابط خود را با روسیه و چین گسترش دهد، چون این دو کشور نه تنها دارای اقتصادهایی نیرومندانند، بلکه در زمینه مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی نیز مواضع نزدیکتری با جمهوری اسلامی ایران دارند. ایران با پیوستن به سازمان همکاری شانگهای می‌تواند جای خوبی در آن به‌دست آورد، زیرا توانایی میانجیگری بین گروه‌های اپوزیسیون اسلامی و دولت‌های روسیه و چین را دارد و از این‌رو می‌تواند به کاهش تنش‌های منطقه‌ای و به صلح و ثبات جهانی کمک کند. همچنین در حوزه اقتصادی ایران می‌تواند از مزایای اقتصادی سازمان شانگهای مانند مناطق معاف از مالیات، کاهش تعرفه‌ها و مشارکت در پروژه‌های نفت و گاز بهره‌مند شود و در کشمکشها در زمینه اتمی نیز تا اندازه‌ای خواهد توانست پشتیبانی این دو کشور را بعنوان اعضای دائم شورای امنیت به‌دست آورد. بنابراین ایران در صورت پیوستن به سازمان همکاری شانگهای، می‌تواند امکان چانه‌زنی خود در گفتگوهای بین‌المللی را افزایش دهد.

نتیجه‌گیری:

در پایان، می‌توان تا اندازه‌ای به پرسش‌هایی که در بخش آغازین این نوشتار مطرح شد پاسخ گفت. بر سر هم، پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای می‌تواند برای اقتصاد و موقع بین‌المللی ایران سودمند باشد. ایران در میانجیگری در کشمکشها و برخوردها و در زمینه کاهش تنشها در منطقه نقش برجسته‌تری می‌یابد و می‌تواند در زیرساخت‌های اقتصادی منطقه هم سرمایه‌گذاری کند که همین به تقویت پیوندهای سیاسی می‌انجامد. سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفت و گاز و بهره‌گیری از «جاده ابریشم» بعنوان يك سیستم نیرومند ترابری می‌تواند بهترین حوزه‌ها برای ایران باشد. همچنین سازمان همکاری شانگهای می‌تواند با سازمان همکاری اقتصادی (اگو) همپوشانی داشته باشد و هرچه بیشتر زمینه رفاه و ثبات را در این منطقه فراهم آورد.

ایران در آن (در صورت عضویت) بررسی می‌شود. در مرحله نخست به روابط روسیه و چین در چارچوب این سازمان و پس از آن به وضع ایران با توجه به نقش این دو قدرت بزرگ پرداخته می‌شود.

الف: روابط روسیه و چین در سازمان همکاری شانگهای:

روسیه و چین بعنوان دو قدرت بزرگ منافع متقابلی در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی دارند. هر دو مخالف سلطه ایالات متحده در آسیای مرکزی هستند و با تروریسم هم مبارزه می‌کنند. هر دو از اعضای فعال سازمان جهانی بازرگانی‌اند و در درون سازمان شانگهای هم موتور نیرومند حرکت‌های سیاسی و اقتصادی این سازمان به‌شمار می‌روند. همچنین هر دو عضو دائم شورای امنیت ملل متحد و دارای حق وتو هستند. همه عوامل یاد شده، این دو کشور را شرکایی مطمئن می‌سازد. چنین می‌نماید که استراتژی روسیه و چین در ژئوپلیتیک اوراسیا کمابیش یکسان باشد. آنها قراردادهایی در زمینه مبادله کارشناسان و دانشمندان و برنامه‌های آموزش نظامی مشترک با یکدیگر دارند و همچنین در ژوئن ۲۰۰۱ دست به امضای «قرارداد دوستی و همکاری» زده‌اند که نخستین قرارداد رسمی دوستی دو کشور از آغاز جنگ سرد به‌شمار می‌رود.^{۳۰}

با توجه به تحولات کنونی چنین می‌نماید که محور مسکو - پکن می‌تواند در حوزه جهانی پایگاهی برای رویارویی با سرکردگی آمریکا به‌شمار آید.^{۳۱}

از سوی دیگر عواملی در کار است که موقع این دو کشور را تضعیف می‌کند، از جمله مسائل نظامی و تروریسم. جرج دبلیو بوش رئیس‌جمهور ایالات متحده پس از اعلام جنگ با تروریسم، به توافقی با روسیه دست یافته است که رهبری چین را نگران می‌کند. اینکه روسیه برای نخستین بار توانست به ناتو نزدیک شود، برای پکن بسیار نگران‌کننده بود. جیانگ‌زمین رئیس‌جمهوری چین در آن هنگام می‌ترسید که این امر چین را به حاشیه براند و قدرت آنرا در مثلث مسکو - واشنگتن - پکن پایین آورد. همچنین، جنگ با تروریسم به رهبری ایالات متحده می‌تواند در روابط مسکو - پکن شکاف پدید آورد چون رفتار چین در این زمینه چندان روشن نیست.^{۳۲}

14. Dilip Hiro, "Why is us in flatting Caspian oil reserves", **Middle East International**, No. 558, 12 September 1997, p. 19.
15. Shanghai cooperation organization seeks to strengthen its component, **Eurasia net. Org**, April 15, 2001.
16. [http://www.english.people.com.cn/english/2001, 6/15 Print 2001. 0615-72738. html](http://www.english.people.com.cn/english/2001/6/15/Print2001.0615-72738.html).
17. **Ibid.**
18. **Ibid.**
19. Shanghai Cooperation Organization Seeks To Strengthen its Component, **Op.Cit.**
20. XiaYishan, "The Shanghai Cooperation Organization As I See", **Foreign Affairs Journal**, 2001, September, No. 61, pp. 8-13.
21. **Ibid.**
22. **Ibid.**
23. <http://www.eurasianet.org/departments/insight/articles/ear042902-Pr.shtml>.
24. **Ibid.**
25. S. Neil Mac Farlane, **Western Engagement in the Caucasus and Central Asia**, London, Royal Institute of International Affairs, 1999, pp. 1-21.
26. **Ibid.**
27. Kenneth Katzman and James Nichole, **Op. Cit.** p.7.
28. Eurasianet. org, **Op.Cit.**
29. <http://www.english.people.com>. **Op. Cit.**
30. <http://asia.cnn.com/2001/WORLD/asia.pcf/east/06/19/China.Russia> (July 6, 2002).
31. **Ibid.**
32. **Ibid.**

یادداشت‌ها:

1. [http://www.singmania.com/ CHINA NEWS/ Shanghai- Cooperation - Organization. htm](http://www.singmania.com/CHINA_NEWS/Shanghai-Cooperation-Organization.htm).
2. <http://www.fmprc.gov.cn/eng/topics/coo/t57970.htm>
3. **Ibid.**
4. Charles Clover, Andrew Jack and David Stern, "Putin Calls for Bigger Russian Oil in Caspian", **Financial Times**, 22 April 2000, p.6.
5. Kenneth Katzman and James Nicole, "Iran: Relations with Key Central Asian States", 3 February 1999, Service Report for Congress, Washington D.C.P.3.
6. Robert, E Ebel, "Turkmenistats Starts New Caspian Wrangle, Labyrinth", **Central Asion Quarterly**, winter 1997, No 4, pp. 34-36.
7. www.fmprc.gov.cn, P. Cit.
8. Kennet Katzman and James Nicole, **OP.Cit.**
9. Davron Vali, "IMU Movement May Press Tajikistan to Solver its Security Concerns", **Asia Report No.14**, March 1, 2001.
10. "Central Asia: Islamic Mobilization Regional and International Crisis Group". **Asia Report No. 14**, March, 1, 2001.
11. Davron Vali, **Op. Cit.**
12. Jim Nicole, **Central Asia New States: Political Development and Implication for U.S Interests**, Bethesda, Library of Congress, 1994.
13. Shirin Hunter, "Central Asia Since Independence", Washington D.C. The Contour for Strategic and International Studies, p. 89.

پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی